

مکتب واسطه

در شماره گذشته با ذکر شواهدی از افکار دانشمندان و فلاسفه مختلف از سیستم اجتماعی کاملی نام بردیم که چه از نظر فلسفی و چه از نظر اقتصادی و سیاسی در طبقه بندی افکار و عقاید در حد وسط قرار دارد و نیز بیان کردیم که میتوان این سیستم اجتماعی کامل را سوسیالیزم می دانست که بر پایه طرز فکر خداپرستی بنا نهاده شده است اینک بطوریکه با خوانندگان محترم وعده کرده بودیم طی سلسله مقالاتی اصول فلسفی - اقتصادی - سیاسی و اجتماعی این مکتب را تا آنجا که بضاعت علمی ما اجازه میدهد بتدریج مورد بحث قرار میدهم و از ارباب فضل و دانش تمنا داریم از راهنماییهای لازم و سودمند دریغ نفرمایند

قبل از ورود در اصل مطلب لازم است توضیح مختصری درباره مفهوم «سیستم اجتماعی» بدهیم: از هنگامیکه سقراط حکیم بزرگوار یونانی بقول معروف فلسفه را از آسمان بزمین آورده بخدمت خلق گماشت و آنرا برای تامین سعادت اجتماع بکار برد مطالعات و تحقیقات فلسفی در جهت مخصوصی هدایت شد. بعداً این جهت یابی بتدریج توسعه پیدا کرده تعمیم یافت و بالاخره کار بجهائی رسید که ویلیام جمس آمریکائی از بانیان مذهب پراگماتیزم (طرفداران اصالت عمل) برای اظهار نظر در اصالت و حقیقت هر موضوع قبل از هر چیز بحث در مقدار فایده و اثر و نتیجه عملی آنرا لازم و ضروری شمرد هم او گوید: «یک موضوعی حقیقت است برای آنکه مفید است و مفید است برای آنکه حقیقت است و هر دو مطلب بیان امر واحدی است.» (۱)

(۱) رجوع شود بقاله پراگماتیزم در اسلام در همین شماره

بر اثر همین جهت یا بی فلسفه بوده که علما و فلاسفه مختلف سعی کردند از لابلای تحقیقات فلسفی و مطالعات و تتبعات خود قبل از هر چیز دستورالعملی برای زندگی و قوانین و مقررات میندیشند برای تنظیم روابط فردی و اجتماعی پیدا کنند و برای اینکه این دستورالعمل ها و قوانین و مقررات تا حد امکان منطبق با موازین فطری و اصول و نوامیس طبیعی باشد سعی داشتند که آنها را از اصول فلسفی معینی که ناشی از نحوه جهان بینی مخصوص خودشان است اتخاذ کنند بطوریکه تمام تئوریهای ارائه شده آنها از هر نوع که باشد اعم از فلسفی - اقتصادی - اجتماعی و غیره بر پایه و مبنای جهان بینی مخصوص و ناشی از همان اصول باشد و از اینجا سیستم های اجتماعی مختلف بوجود آمد. پس سیستم اجتماعی عبارتست از یک سلسله اصول و قوانین اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و غیره که بر پایه و مبنای یک مکتب فکری و فلسفی و بالاخره یک نوع جهان بینی مخصوص بنا نهاده شده باشد و از طرف معتقدین و پیروان آن بعنوان بهترین و جامع ترین فرمول برای اداره امور اجتماع و تامین رفاه و آسایش افراد آن ارائه شود.

نظریات مختلفی که بتدریج در طول تاریخ از طرف دانشمندان و متفکرین بزرگ برای بهبود وضع اجتماع ارائه شده است ابتدا سطحی و ناقص و بصورت یک سلسله تعلیمات فلسفی و اقتصادی و اجتماعی نامرتب بوده چندان ارتباطی بین آنها وجود نداشت ولی بتدریج رو بیکمان رفته صورت واقعی یک سیستم اجتماعی را بخود گرفته است. مدینه فاضله افلاطون، اتوپیا کامپانلا کشیش ایتالیائی، جزیره خویلی توماس مور (Thomas Morus) ساده ترین مدلهای اجتماعی است که در تاریخ عقاید اجتماعی عرض وجود کرده است عقاید اجتماعی «اون» (ovan) از سوسیالیستهای قرن نوزدهم را میتوان نمونه یک سیستم اجتماعی نیمه کاملی دانست که در آن تا اندازه ای ارتباط بین نظریات فلسفی و اقتصادی ملحوظ شده است.

«اون» از نظر فلسفی طرفدار نظریه جبر است و بهمین مناسبت در نظریات اقتصادی خود «مساوات مطلق» را قبول کرده و در مسئله توزیع ثروت فرمول «بهره هر کس باندازه احتیاج» را پیشنهاد مینماید.

مارکسیسم یک سیستم اجتماعی است که مکتب فکری و فلسفی اش «ماتریالیسم دیالکتیک» و مبنای نظریات اقتصادی اش نظریه ارزش معروف

مکتب واسطه ————— گنج شایگان

مارکس و اصول اجتماعی و تاریخی اش بصورت «ماتریالیسم تاریخی» و یا «پندار مادی تاریخ» است که بقول استالین از بکار بردن اصول ماتریالیسم دیالکتیک در پدیده‌های اجتماعی بدست آمده است در این سیستم چنانکه بعدها تشریح خواهد شد ارتباط بین نظریات و اصول مختلفه کاملاً محسوس و مشهود است دین مقدس اسلام نیز اگر پیرایه‌هایی را که عده‌ای برای گرمی بازار خود بآن بسته اند کنار گذارده متصفانه و عادلانه درباره حقیقت آن قضاوت کنیم به تعبیری شامل یک سیستم اجتماعی کامل است .
یک محقق خارجی بنام سرتنو دور مورسون اسلام را چنین تعریف میکند :

«اسلام فقط یک مذهب نیست بلکه شامل یک سیستم کامل اجتماعی نیز میباشد . اسلام عبارت از تمدنی است که فلسفه مخصوص بخود دارد و از خود دارای فرهنگ و فنون خاصی میباشد .»

در این سیستم نه تنها ارتباط بین نظریات مختلف فلسفی اقتصادی- اجتماعی و غیره کاملاً رعایت شده بلکه مسئله ضمانت اجرای عمل نیز کاملاً حل شده است (۱) اسلام علیرغم کسانیکه آنرا یک سلسله اصول کهنه و مطرود قلمداد میکنند میتوان گفت حقا آخرین نسخه برای درمان دردهای بشریت است . ما با تأییدات خدای بزرگ در سلسله مقالات خود بامقایسه اصول عالیّه این مکتب با آخرین و کاملترین نظریات علمی این امتیاز را نشان خواهیم داد .

با توضیح مختصری که در باره سیستم اجتماعی داده شد میتوان چنین نتیجه گرفت ^{مشکله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی}

اولاً — برای کسانیکه در امور اجتماعی و سیاسی خاصه بصورت حزبی فعالیت دارند لازم است خود را طرفدار یک سیستم اجتماعی نشان داده و عبارت دیگر بیک ایدئولوژی معین و معاموم و بالاخره بیک مکتب فکری و فلسفی مخصوص مجهز باشند تا بتوانند با بکار بردن اصول آن در مسائل مختلفه اجتماعی نظریات سریع و قاطعی اتخاذ کنند والا صرف اظهار عقیده نسبت بمسائل مختلف اجتماعی بدون اتکاء بیک مشرب و مذهب فلسفی و نتیجه گیری از آن جنبه ادعا بخود خواهد گرفت .

ثانیاً — هر فرد دارای ایدئولوژی و طرفدار یک سیستم اجتماعی (۱) رجوع شود بمقاله شماره گذشته درباره ضمانت اجرای عمل در اسلام

نسبت بشام مسائل اجتماعی دارای نظریه منجز و قاطع و روشنی است که البته از نحوه جهان بینی او نتیجه شده است بطوریکه برای اطلاع از نظریات و آراء مختلف هر فرد کابست تنها بعقیده فلسفی و نحوه جهان بینی او پی برد .

اصول فلسفی مکتب واسطه

چنانکه در شماره گذشته اشاره شد اصول فلسفی این مکتب بر مبنای پرستش خدا و ایمان بآخرت استوار بوده بطور اختصار عبارتست از
 ۱- عالم وجود سراسر مخلوق خدای واحدی است که خارج از تعریف و توصیف و درک بشر بوده پی بردن بکنه ذات و ماهیت وجودش ممکن و مقدور نیست و ما فقط بعوارض و مظاهر وجودی او دسترسی داریم و با عبارت دیگر جهان لابتنهایی و آنچه در آنست دارای يك حقیقت عالی و يك علت غائی و نهائی است که ماوراء محسوسات و مدرکات بوده و علم بشر هر قدر هم پیشرفت کند قادر بکشف آن نیست و تنها نشانه هائی از آن را در اختیار ما خواهد گذارد .

۲- موجودات و مخلوقات و پدیده های طبیعت دائماً در حال تغییر و تحول بوده يك سیر ارتقائی و تکاملی را طی میکنند و این سیر بر طبق اصول و نوامیس و سنت های معین و با بر جایست که از ازل و مشیت پروردگار ناشی شده است .

۳- در انتهای سیر تکاملی فنی مرحله دیگری در پیش است که جهان پس از مرگ و یا آخرت نام دارد . در این مرحله آثار احوال نیک و بدی که هر فرد در دوران حیات خود انجام داده و بصورت مکتوبات مثبت و یا منفی جزء ذات و شخصیت او شده نتایج خوب و بد خود را بصورت ثواب و عقاب ظاهر میسازد (۱)

نتایج اجتماعی اصول فلسفی مکتب واسطه

این بود بیان اجمالی از اصول فلسفی این مکتب . حال چنانچه این اصول را در پدیده های اجتماعی بکار بریم نتایج زیر بدست می آید :

۱- مساوات طبیعی - جس نوعی و غیروری و غیر خواهی - اگر راست است

(۱) از کتاب راه طی شده

مکتب واسطه ————— گنج شایگان

که جهان لایتناهی و آنچه در آنست تماماً مخلوق و موجود خداوند قادر یکتاست و تنها اوست که بر تمام کائنات حکومت مطلق دارد پس من و تو، سیام و سفید، شاه و گدا، رعیت و ارباب، کارگر و کشاورز همه و همه بندگان مطیع و فرمانبردار او هستیم و در درگاه او هیچکس را بر دیگری امتیازی نیست، نعمتها و مواهب طبیعی که او بما ارزانی داشته متعلق بهمه است و اختصاص بدسته و شخص معینی ندارد و باید همه از این خوان گسترده او یکسان بهره مند شوند. باید فقط با او توکل کرد و سر بندگی با آسمان الوهیت او سائید. دست نیاز باید بسوی او دراز کرد. امید با او و بیم از او باید داشت و قدرتهای بشری و غیر خدائی را هر قدر هم در ظاهر با ابهت جلوه کنند در برابر قدرت او باید بهیچ انگاشت.

۲- پیروی از قوانین فطرت و طبیعت - حب کمال - تسلیم و رضا :-
اگر راست است که تمام موجودات و پدیده‌های طبیعت بر طبق سنت های لایزال خداوندی یک سیر تکاملی را طی میکنند پس سعادت و رفاه ما نیز در پیروی از همین اصول و قواعد فطری و طبیعی است. باید راه خدا را برگزید و برنامه زندگی خود را بر طبق قوانین فطری و طبیعی مرتب کرد. باید در راه کسب فضایل و نیل بکمال کوشش روز افزون نمود. باید در برابر اراده و مشیت پروردگار تسلیم فرود آورد و رضا برضای او داد (۱)
۳- احساس مسئولیت - عمل صالح :-

اگر زندگی در نشئه و مرحله دیگری غیر از دنیای فعلی حقیقت دارد و اگر سعادت و ذلت ما نتیجه مکتسبات و اعمال و رفتار ما در این دنیاست پس باید از ذرایب اخلاقی پرهیز کرد و نیکوکاری را بیشه خود ساخت تا از نتایج سود مند آن هم در زندگی و هم پس از مرگ برخوردار شویم.

پرتال جامع علوم انسانی

(۱) این تسلیم و رضا با ذلت و بدبختی و استعمارزدگی امروز مسلمانان فرق دارد و منظور از آن تأسف نغوردن بگذشته و صبر و استقامت در برابر ناملاهیات طبیعی زندگی است و الا در مورد ظلم و تعدی و محرومیتهایی که ناشی از فساد و تباهی اجتماع است فحاص و مبارزه مردانه با منکرات تکلیف شده است.